

# عبدالکریم مدرسه فرار

درس معلم اربود زمزمه محبتی  
جمعه به مکتب آورد طفل گریزای را

ترس از مدرسه را باید با فرار از مدرسه فرقی گذاشت. فرار از مدرسه بیشتر در کودکان مبتلابه اختلالات روانی، سایکوپاتها، حالات اضطراب و نظایر آن دیده می شود. در این حالت کودک از مدرسه فرار می کند و به منزل نمی رود. پدر و مادر از غیبت کودک از مدرسه اطلاعی ندارند یعنی در حقیقت کودک از مدرسه و منزل هر دو فرار می کند. این کودکان با این عمل مقررات مدرسه رازیر با می گذارند و از فواین متداول اجتماعی تحصیلی و خانوادگی پیروی نمی کنند. اکثراً پس از فرار از مدرسه با افرادی نظیر خودشان به عیاشی، دزدی و رفتارهای سایکوپاتییک می پردازند و با این که بدون هدف معین در خیابانها پرس می زنند. این کودکان اغلب کم استعداد و اکثراً در تطابق و سازش خود با محیطهای تحصیلی و خانوادگی اشکال دارند. معمولاً شرایط منزل نیز ناگوار است و در واقع کودک نمدال خوش از خانه دارد و نه علاقه ای به مدرسه و براحتمی هر دو را ترک و کوجه را انتخاب می کند. کودکان گریزان از مدرسه اگر هم استعداد خوبی داشته باشند از نظر عاطفی سالم نیستند و رفتارشان در منزل و مدرسه طبیعی نیست. اما کودکانی که از رفتن به مدرسه امتناع می کنند اکثراً از خانواده های طبقات بالای اجتماع هستند و رفتارشان در مدرسه بهتر و آرامتر از سایر شاگردان است.

به نظر نایمرن (۱۹۶۶) کودکی که ترس از مدرسه دارد نزد مادرش می ماند. ولی کودک فراری از مدرسه در خیابانها گردش می کند.

اسماعیل بیابان گرد

گوش کردن به درس برای چندین ساعت را ندارد و با باهمساگردان دیگر برابری نمی‌تواند بکند و هرچه تلاش می‌کند، نتیجه‌ای نمی‌گردد و فکر می‌کند وقتش تلف می‌شود، لذا به مدرسه نمی‌رود و با از مدرسه فرار می‌کند.

۲ - ترس از ننبیه با ترس از استهزاء یا سرزنش دیگران یکی دیگر از علل فرار از مدرسه و سرگردان شدن در خیابانهاست.

۳ - بی توجهی والدین به کودک و این که او محبور می‌شود با لباسهای کهنه یا کفش های پاره به مدرسه برود، از عوامل غیبت از مدرسه محسوب می‌شود.

این نوع غیبت از مدارس در زمستانها شایعتر است. ممکن است پدر و مادر به علت احتیاج مالی کودک را محبور نمایند که کار بکند و وقت درس خواندن نداشته باشد، لذا اخباراً "غیبت از مدرسه را ترحیح می‌دهد.

برای باری کردن به این کودکان باید از علم روان پزشکی و روان شناسی کودک مدد جست زیرا احتمالاً "مسکلات متعدد و گوناگونی در خانه، شخصیت والدین و کودک وجود دارد که لازم است کشف و علت یابی شده، سپس درمان و مداوا شوند.

### غیبت از مدرسه

اطلاعات در این مورد در کتابها و نوشته‌ها بسیار اندک است. احتمالاً ۱۰ درصد کودکان هر مدرسه برای یک بار هم که شده غیبت می‌کنند. برانزبی در یک مطالعه راجع به غیبت از مدرسه دریافت که بین دختران و پسران سنین ۸ تا ۱۱ ساله تفاوتی دیده نمی‌شود، لیکن فراوانی غیبت دختران به مراتب بیش از پسران

نمی‌باشد از این کودکان فراری از مدرسه در میان همسالان خویش محبوبیتی ندارند و نیمه دیگر آنها مرتکب خلاف و لغزش می‌شوند.

به نظر نایرمن عوامل مؤثر در خانه عبارتند از: طرد شدگی، سختگیریهای افراطی، انضباط متناقض و بی ثبات، کتک زدن، بی‌نظمی والدین بی علاقه، محیط زیست و همسایگی بد ناشادی در خانه یا مدرسه، پرجمعیت بودن خانواده، حدایی از مادر در او ان کودکی یا حدایی از پدر پس از سن ۵ سالگی.

در این موارد معمولاً "کودک در انجام تکالیف و کار مدرسه ای ضعیف است، لیکن مشکل در بی-علاقگی به مدرسه یا معلم نیست. تنبیه صرفاً" این گریز را تشدید کرده و به صورت بیجیده‌تری در می‌آورد.

در بیشتر اوقات فرار از مدرسه با دروغ‌گویی همراه خواهد بود. این افراد با مهارت به دروغ گفتن می‌پردازند و طوری وانمود می‌کنند که از مدرسه غیبت نداشته‌اند.

بطور خلاصه باید گفت که فرار از مدرسه حالتی است که کودک سالم بدون عذر موجه از حضور در مدرسه خودداری کند و غیبت او غیر قانونی یا غیر موجه شناخته شود.

در بعضی کشورها که بین سنین ۶ تا ۱۴ سالگی تعلیمات اجباری است، حتی اگر والدین باعث این عمل شده باشند به دادگاه دعوت می‌شوند و مجازاتهای سنگینی درباره آنها به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود.

### علل فرار از مدرسه

۱ - کودک مدرسه اش را دوست ندارد  
درسه را درست متوجه نمی‌شود، یا حوصله

خفیف، مانع از رفتن فرزندشان به مدرسه می شوند. درحالی که روشن نیست چرا آنها حال کودکی را که بس از سرماخوردگی سرفه



بود. درنواحی فقیرنشین و خانواده های پر جمعیتی که والدین نسبت به تعلیم و تربیت علاقه کمی ابراز می داشتند، این نوع غیبت بیشتر وجود داشت. در کودکان زیر سن ۷ سال غیبتها به علت بیماریهای عفونی و بالای سن ۱۲ سال، غیبتها به دلایل غیر پزشکی، مانند مراقبت از خواهر کوچکتر و نیمی از غیبتهای کودکان نیز مربوط به استفاده از تعطیلات همراه با والدین بود. "ساندون" دریافت که در اواخر هفته، غیبت از مدرسه ۲۵ درصد بیشتر می باشد و فراوانی غیبت در دوره ابتدایی بیش از دبیرستان به چشم می خورد. "راجر وریز" (۱۹۶۵) در آمریکا با انجام تحقیقی دریافتند که بین غیبت و ناسازگاریهای کلی اجتماعی کودک، همبستگی وجود دارد گروهی که میزان غیبتشان بالاست، عملکرد تحصیلی بدتری دارند، در فعالیتهای مدرسه کمتر شرکت می کنند و میزان تسرک تحصیل بیشتری نیز خواهند داشت.

دوگلاس وراس (۱۹۶۵) نشان دادند که غیبتهای کوتاه تکراری بیش از غیبت طولانی اتفاقی، به پیشرفت تحصیلی کودک آسیب می رساند. کودکان سطوح بالای طبقات متوسط که کار را از مدرسه غیبت می کنند، موضع و موقعیت خویش را ایفاء می نمایند، درحالی که کودکان پایین اجتماعی از دروس عقب مانده و دچار سرخوردگی می شوند.

بی تردید تعداد زیادی از کودکان بدون وجود هیچ گونه دلیل موجهی از رفتن به مدرسه می مانند. عده ای از مادران به دلیل یک سرماخوردگی یا سرفه یا خس خس کردن

می کند، برای رفتن به مدرسه مساعد نمی دانند، اما در عوض او را همراه با خود و به وسیله انوبوس به خرید برده و یا به اتفاق، فرزند کوچک خانواده را به کلینیک می برند. رویه متداول این است که کودک مبتلا به آسم را در زمانی هم که خس خس جزئی دارد به مدرسه نفرستند. در مورد بیماری آسم، یک عامل روانی مهم وجود دارد. زمانی که کودک مبتلا به آسم از رفتن به مدرسه باز می ماند، ممکن است درباره تکلیف عقب مانده، نگران شوده نحوی که خس خس سینه افزایش یابد.

۱ - نوایی نژاد - شکوه ( مترجم ) : کودک و مدرسه ( تالیف رونالدس - ایلینگورث ) ، تهران انتشارات رشد . ۱۳۶۸

2- Herson L.A . (1960): persistent non- attendance at school.J. child psychol. psychiat.2,130

3- Rogers K.D. and Reese G.(1965): Health studies of presumably - normal high school student. Am. J. Dis. child 109,9.

4- SHEPHERD M., oppenheim B. and mitchells . (1972 ); child behaviour and mental health, London ,university of London press.

### بقیه از صفحه ۳۱

پیروی از هوای نفس، بی‌عدالتی، سلطه جویی، شرک و بت پرستی مطرح است و در قسمت دوم شعار الا...، الله مظهر کمال، یاسدار عدالت و سمبل حکمت و راهفت معرفی شده است، انسان با نفی پلیدی‌ها و حرکت بسوی الله، یعنی حرکت در مسیر کمال، تقوا و عدالتخواهی، حکمت اندوزی، خود رابه قدرتی لایتنهایی متصل می‌سازد و آزادانه در این مسیر گام بر می‌دارد. همانطور که ملاحظه می‌شود آزادی نیز در نقطه زمانی، پیروی از عقل و اتخاذ رویه عقلانی است. بنابراین تقوا و آزادی از جهتی یک معنا را در بردارند و هر دو پایه و اساس تعلیم و تربیت انسان را تشکیل می‌دهند. والسلام

- |                         |                              |
|-------------------------|------------------------------|
| ۱ - سوره بقره آیه ۲ .   | ۵ - سوره یونس آیه ۱۰۰ .      |
| ۲ - سوره قیامت آیه ۱۴ . | ۶ - سوره توبه آیه ۱۰۹ .      |
| ۳ - سوره مدثر آیه ۳۸ .  | ۷ - سوره بقره آیات ۱ - ۴ .   |
| ۴ - سوره اسراء آیه ۳۶ . | ۸ - سوره انفال آیه ۲۹ .      |
|                         | ۹ - سوره طه آیه ۱۳۲ .        |
|                         | ۱۰ - سوره حجرات آیه ۱۳ .     |
|                         | ۱۱ - سوره آل عمران آیه ۱۹۱ . |